




The University of Tehran Press

Examining Women's Rights in Armed Conflict From the Perspective of the International Committee of the Red Cross

Hamid Alhooii Nazari¹  | Maryam Obeydinia^{2✉} 

1. Assistant Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran. Email: Soohan@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Ph.D. in International Law, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran. Email: maryam.obeydinia@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 283-308</p> <p>Received: 2021/05/10</p> <p>Received in revised form: 2021/07/31</p> <p>Accepted: 2021/11/08</p> <p>Published online: 2024/03/20</p> <p>Keywords: <i>human rights, international humanitarian rights, women, International Committee Of the Red Cross, armed conflicts.</i></p>	<p>Armed Conflicts, despite all the efforts made globally and regionally, still exist. Different groups of people are affected by this phenomenon in dissimilar ways. Women, due to various reasons, are amongst the most vulnerable groups in armed conflicts. Many efforts have been made by the International Committee of the Red Cross to provide maximum support for women in the form of instruments and procedures. Although human rights and international humanitarian rights are considered two separate legal systems, but because in most cases the boundary between them is not properly distinguished and also because of the Committee's practice in recent decades to integrate the two systems during armed conflicts; in the following study, we intend to address the most important principles for protecting women in both international humanitarian rights and human rights, through investigating ICRC's Documents with an analytical approach.</p>
How To Cite	Alhooii Nazari, Hamid; Obeydinia, Maryam (2024). Examining Women's Rights in Armed Conflict From the Perspective of the International Committee of the Red Cross. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (1), 283-308. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.323205.2766
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.323205.2766
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۴، شماره: ۱

بهار ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsqt.ac.ir>

واکاوی حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

حمید الهویی نظری^۱ | مریم عبیدی نیا^۲

۱. استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Soohan@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: maryam.obeydinia@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۸۳-۳۰۸</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، زنان، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مخاصمات مسلحانه.</p>	<p>مخاصمات مسلحانه این بلای همیشه خانمان‌سوز جامعه بشری به‌رغم تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته جهانی و منطقه‌ای در حوزه حقوق بین‌الملل، همچنان حضور و نمود خود را به پرقدردترین شکل ممکن فریاد می‌زند. گروه‌های مختلف افراد به اشکال متفاوت تحت تأثیر این پدیده قرار می‌گیرند. در این میان زنان به دلایل گوناگون از گروه‌های آسیب‌پذیر به‌هنگام وقوع جنگ تلقی می‌شوند. تلاش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای حمایت حداکثری از این گروه انسانی به شکل‌های متعدد در قالب تدوین اسناد و رویه‌های اتخاذشده ستودنی است. هرچند حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو نظام حقوقی مجزای از هم تلقی می‌شوند، اما به‌دلیل آنکه در اغلب موارد مرز بین این دو حوزه به‌درستی تفکیک‌پذیر نیست و نیز بر اساس رویه‌ای که در کمیته طی دهه‌های اخیر در خصوص یکپارچه کردن این دو نظام حقوقی به‌هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه شکل گرفته است، در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا با نگاهی تحلیلی و با بررسی اسناد منتشرشده از سوی این نهاد، به مهم‌ترین اصول حمایتی از زنان در حوزه‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر پردازیم.</p>
استناد	الهویی نظری، حمید؛ عبیدی نیا، مریم (۱۴۰۳). واکاوی حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۱)، ۳۰۸-۲۸۳.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.323205.2766 10.22059/JPLSQ.2021.323205.2766
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

حقوق جنگ زاینده قانونمند کردن رفتار نیروهای مسلح در میدان نبرد است. پیش از سال ۱۹۴۵ یک سلسله قواعد عرفی و قراردادی وجود داشت که استفاده یکجانبه از زور توسط دولت‌ها را تنظیم می‌کرد (مقتدر و اردلان، ۱۳۹۴: ۹۰). تدوین حقوق جنگ و نظام‌مند کردن آن در جامعه بین‌المللی به سال ۱۹۴۹ و تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بازمی‌گردد (حسینی و محمدزاده، ۱۳۹۸: ۴۹)؛ در حقیقت، یکی از واکنش‌های مهم نسبت به ویرانی‌های حاصل از جنگ جهانی دوم و توسل بی‌قیدوشرط به خشونت که در آن سال‌های سیاه به چشم می‌خورد، تمایل شدید به ایجاد یک سازمان جهانی با ضمانت اجرای کافی بود که بتواند از وحشت جنگ جلوگیری کند (کاسسه، ۱۳۹۶: ۸۴).

هرچند در حال حاضر اصل بر اجرای حقوق بشر در زمان جنگ و صلح است و فقط در شرایط استثنایی، حقوق بشر قابل تعلیق است، اما تا سده بیستم این موضوع مهم باقی مانده بود که آیا قوانین حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه بر اعمال دولت‌ها اعمال می‌شود یا خیر. برخی دولت‌ها معتقد بودند که در این وضعیت، قوانین بشردوستانه اعمال می‌شود نه قوانین حقوق بشر؛ برخی دیگر می‌پنداشتند که قوانین حقوق بشر مکمل و در کنار قوانین حقوق بشردوستانه اعمال می‌شود (اردستانی و کامجو، ۱۳۹۷: ۸۰). طرفداران دیدگاه دوم – در حال حاضر این دیدگاه، به‌عنوان دیدگاه غالب مورد قبول جامعه جهانی است – بیان می‌کردند که میثاق حقوق مدنی و سیاسی و معاهدات منطقه‌ای حقوق بشری متضمن قیدی هستند که اجازه تعلیق برخی از تعهدات معین حقوق بشری را در زمان اضطرار عمومی که حیات یک ملت تهدید می‌شود، می‌دهند، این مسئله نشان می‌دهد که قوانین حقوق بشر در همه موقعیت‌ها قابل اعمال اند و صرفاً می‌توان برخی از آنها را تعلیق کرد (اردستانی و کامجو، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۱). در دهه‌های اخیر، موضوع مشکلات زنان تحت تأثیر جنگ و چالش‌هایی که ایشان با وقوع مخاصمات مسلحانه با آن مواجه می‌شوند، مورد توجه فزاینده جامعه جهانی، سازمان‌های حقوق بشری، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و ... قرار گرفته است (D. Ni Aolain, 2010: 568). نمی‌توان قطع به یقین ادعا کرد که حقوق بشردوستانه بین‌المللی با تأسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۸۶۳ و انعقاد اولین کنوانسیون ژنو در سال ۱۸۶۴ به وجود آمده است. در واقع، در تمامی جوامع قواعدی هرچند ابتدایی وجود داشته که بر رفتار طرفین در جنگ حکومت می‌کرده است. یک مثال قدیمی در این خصوص، قاعده ممنوعیت مسموم کردن چاه‌هاست و یک قاعده دیگر، جدا کردن زنان و کودکان از طرفین درگیر (فرخ‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تمام قواعد جنگ و سایر مقررات حقوقی که از زمان اولین جنگ‌ها به وجود آمده‌اند، در حقیقت همان حقوق جنگ را تشکیل می‌داده‌اند، اما در آن زمان تحت عنوان حقوق جنگ شناخته نمی‌شدند. حقوق جنگ به تدریج در طول

تاریخ توسعه پیدا کرد و با تمدن‌های مختلف منطبق شد و همراه با پیشرفت قواعد اخلاقی و حقوقی و همچنین توسعه تجهیزات نظامی شکل گرفت (فرخ‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۳).

در خصوص پیشینه شکل‌گیری حمایت از حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه، با قاطعیت تمام می‌توان گفت که از آغاز پیدایش جنگ تا پس از جنگ جهانی دوم، هیچ معاهده و قانونی به شکل صریح به حقوق زنان و منع خشونت علیه ایشان اشاره‌ای نداشته و فقط از اصطلاح «مردم بی‌دفاع و غیرنظامیان» استفاده می‌شده است (حقیقی کفاش و سجادیپور ۱۳۹۹: ۱۰۹۴). اما پس از جنگ جهانی دوم با ایجاد سازمان ملل متحد و به‌ویژه شکل‌گیری رکن شورای امنیت، این امید به‌وجود آمد که در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی فعال‌تر عمل شود. با این حال به دلیل تجربه جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق و اعمال حق وتو، این رکن از کارکرد اصلی خود فاصله گرفت و تنها مصادیق تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به ابعاد نظامی خلاصه شد (حقیقی کفاش و سجادیپور، ۱۳۹۹: ۱۰۹۴). اما از دهه ۹۰ میلادی به بعد و همزمان با اوج‌گیری مخاصمات داخلی به بالاترین حد ممکن و تغییر شرایط بین‌المللی مفهوم امنیت گسترش یافت و حوزه وسیعی از امور از جمله مسائل حقوق بشری موضوعیت پیدا کرد. از سوی دیگر با توجه به افزایش قربانیان غیرنظامی به‌ویژه زنان، نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه اهمیت مضاعف پیدا کرد و آغاز تلاش برای مفهوم‌پردازی در این زمینه شکل گرفت (حقیقی کفاش و سجادیپور ۱۳۹۹: ۱۰۹۶). از بارزترین این تلاش‌ها می‌توان به اعلامیه و دستورالعمل وین اشاره کرد که از سوی کنفرانس جهانی حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۳ صادر شد و نیز اعلامیه و دستورالعمل پکن که از سوی چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد زنان در سپتامبر ۱۹۹۵ صادر شد که در هر دوی این اسناد بر لزوم مبارزه با ارتکاب انواع خشونت علیه زنان تأکید شده است (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). هرچند با تمامی اتفاقات مثبت صورت‌گرفته در این مسیر، به‌هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه اگرچه مردان بیشتر از زنان کشته می‌شوند، اما این زنان هستند که کماکان بیش از مردان رنج می‌برند و اکثریت قربانیان جنگ‌های معاصر را گروه زنان تشکیل می‌دهند (کرباسی، ۱۳۹۶: ۲).

آشنایان با حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌دانند که اساسی‌ترین نهاد نظارتی بر اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. هدف اصلی از تأسیس کمیته کمک به قربانیان مخاصمات مسلحانه است. در بیان اهمیت کمیته همین بس که مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ مشترک چهار کنوانسیون ژنو این نهاد را هم‌پایه، بلکه جانشین دولت‌ها در انجام وظایف بشردوستانه قرار می‌دهد (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۷۹). به‌صورت خاص در رابطه با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و زنان دو کنفرانس برگزار شده در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ دربرگیرنده توجه ویژه به حمایت از گروه زنان در زمان

۱. 27th International Conference of the Red Cross and Red Crescent, Geneva, 31 October- 6 November 1999.

مخاصمات مسلحانه بوده است؛ در یکی از قطعنامه‌های صادرشده از سوی نهاد با عنوان «حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه» از دولت‌ها خواسته می‌شود که انجام اقدامات اساسی برای حمایت از زنان و کمک به ایشان را در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه بر اساس حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل در دستور کار خود^۱ قرار دهند (Lindsey:2).

حال با بیان مقدمه کلی که ذکر آن رفت، در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا از دیدگاه کمیته به بررسی حقوق قابل اعمال در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه با محوریت حمایت از افراد غیرنظامی به صورت خاص گروه زنان پردازیم و با بررسی اسناد منتشرشده از سوی کمیته این مهم را که اصول و قواعد چه حوزه‌هایی از حقوق، به چه شکل و چه میزان می‌توانند نقش کاربردی در حمایت از زنان و تأمین نیازهای ایشان داشته باشند، تحلیل کنیم.

۲. محوریت انسان در حقوق مخاصمات مسلحانه

حقوق مخاصمات مسلحانه شامل دو بخش کلی حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ است. مقصود از حقوق بر جنگ مجموعه قواعد و مقررات ناظر بر توسل به زور در روابط میان کشورها و مقصود از حقوق در جنگ مجموعه قواعد و مقررات الزام‌آور در جریان یک مخاصمه مسلحانه صرف نظر از مشروعیت یا عدم مشروعیت توسل به زور است (الهویی نظری، ۱۳۹۴: ۲۵۵). در حال حاضر، اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین اسناد حوزه حقوق مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در زمینه وضعیت بیماران، مجروحان جنگی، اسرای جنگی و حمایت از افراد غیرنظامی و دو پروتکل الحاقی به آن در سال ۱۹۷۹ است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۷). این چهار کنوانسیون متضمن نظام (مقابله با) نقض فاحش حقوق مخاصمات مسلحانه است؛ بدان معنا که نقض برخی مقررات این کنوانسیون‌ها از چنان اهمیتی برخوردار است که ارتکاب آنها در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی تلقی می‌شود و دادگاه‌های ملی کلیه دول عضو، صلاحیت محاکمه و مجازات مرتکبان این اعمال را خواهند داشت.

علاوه بر حوزه حقوق مخاصمات مسلحانه، در این قسمت به دلیل ادامه اعمال اصول حقوق بشری در زمان مخاصمات مسلحانه، ناگزیر از گذری هرچند کوتاه به آن هستیم. حقوق بشر، عبارت از حقوقی است که شخص از این حیث که انسان است، از آن برخوردار است. این حقوق، حقوقی بنیادین و انتقال‌ناپذیر است (والاس، ۱۳۹۰: ۲۷۸). بدین ترتیب از آنجا که همه ما به یک اندازه انسان هستیم، آن حقوق نیز برابرند (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۵۳).

در تأیید این باور حقوقی که در زمان مخاصمات مسلحانه همچنان اصول حقوق بشری قابل اعمال

1. See Resolutions of the 26th International Conference of the Red Cross and the Red Crescent, Geneva, 1995, International Review of the Red Cross, January – February 1996, No.310, pp. 9-10.

است و دولت‌ها بر اساس موازين حقوق بين الملل متعهد به پايبندی به آن هستند، می‌توان به قطعنامه‌ها و رویه‌هایی اشاره کرد؛ اولین آنها قطعنامه ۳۱۰۲ مجمع عمومی مصوب ۱۹۷۳ است. در بدیهی بودن این امر برای مجمع همان بس که عنوان قطعنامه «احترام به حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه» انتخاب شده است. در این قطعنامه که در بندهایی از آن به اهمیت تأسیس و تأثیرگذاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز اشاره شده است، مجمع عمومی با صراحت تمام و تمام‌قد از این اصل حمایت می‌کند که تنها اعمال و اجرای کامل منشور ملل متحد می‌تواند مخاصمات مسلحانه و رنج‌های ناشی از آن را متوقف کند و اعمال حقوق بشر تضمینی حداکثری است برای حفاظت از افراد غیرنظامی درگیر در یک جنگ. در پاراگراف ۷ همین سند از دبیر کل وقت سازمان ملل خواسته می‌شود که از پیشرفت‌ها و دستاوردهای مرتبط با اعمال حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه گزارش‌های لازم را تهیه کند (GA/3102(XXVIII), 1973: Para.7). در همین زمینه، اشاره به رأی مشورتی دیوان در قضیه مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نیز بی‌ارتباط با موضوع نیست؛ در بند ۲۵ این رأی، دیوان بر این مهم تأکید می‌ورزد که اعمال میثاق حقوق مدنی و سیاسی در زمان مخاصمات مسلحانه به حالت تعلیق در نمی‌آید و به‌جز ماده ۴ میثاق که به ضرورت‌های ملی اشاره دارد، به اعتقاد دیوان دولت‌ها به همان میزان که مسئولیت اجرای میثاق را در زمان صلح دارند، به همان اندازه متعهد به اعمال آن در زمان جنگ نیز هستند (ICJ Rep, 1996: Para.25).

۳. خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه

به‌صورت کلی، تبعیض و خشونت علیه زنان در تمامی جوامع بشری، با وجود تفاوت در مذهب و دیگر تفاوت‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی وجود داشته و پدیده‌ای است جهانی، فرا تاریخی و فرا فرهنگی که عمری به قدمت تاریخ بشر دارد (مولوردی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱) و به بیراهه نرفته‌ایم اگر بگوییم که این پدیده از موانع اصلی در مسیر دستیابی به امنیت کامل زنان تلقی می‌شود. در حقیقت با اعمال انواع خشونت -به‌ویژه خشونت جنسی- به‌صورت بی‌سابقه و خارج از باور در مخاصمات به‌ویژه داخلی، به‌طور مثال در یوگسلاوی سابق، رواندا و پس از آن در سایر مخاصمات به‌خصوص در آفریقا و نقض شدید حقوق بشردوستانه که شکستی کامل و بحرانی جدی تلقی شد (عسکری و هنکرتز ۱۳۹۰: ۴۰)، لزوم تقویت حمایت‌های بین‌المللی از زنان بیش از پیش آشکار شد؛ چراکه در این مخاصمات گروه خاصی از جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت در قالب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی - که بعدها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۲ به‌صراحت جرم‌انگاری شد - به‌وقوع پیوست (توحیدی و داداشی، ۱۳۹۸: ۸).

1. ICRC People on War Project, Georgia, 1999; available on the website www.onwar.org.
2. Rome Statute of the International Criminal Court, circulated as Document on 17 July 1998, entered into force on 1 July 2002.

۱.۳. عوامل زمینه‌ساز خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه

خشونت به‌ویژه خشونت جنسی علیه صدها هزار زن و کودک در تمامی نقاط دنیا واقعیتی تلخ است (خاک، ۱۳۸۷: ۱۰۱)؛ همان‌گونه که گزارشگر ویژه ملل متحد در خصوص خشونت علیه زنان در گزارش سال ۱۹۹۴ خود خاطرنشان کرده است، بیش از ۲۰۰۰۰۰ زن و دختر، بخشی از برنامه ژاپنی‌ها تحت عنوان «زنان آرام‌بخش»^۱ بوده‌اند. آنها برای اجرای برنامه‌های ۳ تا ۵ ساله بازداشت می‌شدند. تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر از نیمی از دختران و زنان در نتیجه رفتارهایی که متحمل می‌شدند، فوت می‌کردند. هریک از این زنان و دختران حداقل پنج بار در روز مورد تجاوز قرار می‌گرفتند (خاک، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۴).

چالش اصلی در زمینه خشونت و ارتباط آن با مخاصمات مسلحانه در جایی نمود پیدا می‌کند که بدانیم چه زمان از اعمال خشونت علیه زنان به‌عنوان متد یا ابزار جنگی استفاده می‌شود.^۲ با بررسی اسناد بین‌المللی پاسخ به این پرسش چندان دشوار نخواهد بود؛ زمانی که از خشونت -به‌صورت خاص خشونت جنسی- به‌عنوان روشی نظام‌مند و هدفمند برای اعمال شکنجه، اخذ اطلاعات محرمانه، تحقیر و تهدید کردن، ترساندن و تنبیه کردن افراد در زمان مخاصمه و در مقیاس گسترده استفاده می‌شود، خشونت یک روش جنگی به‌شمار خواهد آمد (Lindsey-Curtet et al., 2004: 25). پرسش بعدی اینکه چه عواملی خطر تجربه خشونت را برای زنان در زمان مخاصمات مسلحانه افزایش می‌دهند. عامل اول، زنان معمولاً در زمان جنگ تنها می‌مانند، اعضای مرد خانواده‌شان اغلب یا به‌صورت مستقیم به نیروهای نظامی یک طرف مخاصمه می‌پیوندند، یا از منطقه فرار می‌کنند، یا در حبس گرفتار می‌شوند یا مفقود و کشته می‌شوند. عامل بعدی، زنان اغلب غیرمسلح‌اند و همین مسئله توانایی ایشان را در حفاظت از خود و مقاومت در برابر نیروهای متخاصم کاهش می‌دهد (krill & ICRC, 1985: 340)؛ به‌ویژه آنکه در زمان مخاصمات مسلحانه با افزایش تعداد سلاح‌های سبک و تسهیل دسترسی به آنان برای افراد حتی غیرنظامی مواجهیم و همین مسئله سبب می‌شود که فرد یا افرادی به صرف داشتن یک اسلحه سبک قادر به انجام بسیاری کارهای شنیع باشند و سیستمی برای بازداشتن یا محکوم کردن آنها به‌دلیل منحل شدن ساختارها و چارچوب‌های اساسی قانونی نظیر قوه قضاییه‌ای که چنین افرادی را تحت تعقیب قرار دهد، وجود نداشته باشد (Lindsey-Curtet et al., 2004: 26).

۲.۳. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و ضرورت حمایت خاص از زنان در مخاصمات مسلحانه

نیازهای ویژه زنان بر حسب موقعیتی که در آن قرار دارند، در منزل، در بازداشت و یا در وضعیت آوارگی

۱. Comfort Women

۲. www.icrc.org/en/what-we-do/sexual-violence

ناشی از درگیری‌ها متفاوت است، ولی صرف‌نظر از موقعیت آنان این نیازها باید در هر شرایطی محترم شناخته شود. خشونت قابل پیشگیری است، این واقعیت باید شناسایی شود. در هر جا که ممکن باشد باید تکرار کرد که خشونت غیرقابل قبول، ولی در عین حال قابل اجتناب و چاره‌پذیر است.^۱

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حدوداً یک قرن و نیم پیش در پی شناسایی این واقعیت ایجاد شد. کمیته به‌عنوان نهادی بی‌طرف از لحاظ بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی و حتی تنش‌های داخلی ایفاگر نقش است (بیگ‌زاده، ۱۳۷۴: ۸۳). مطابق اساسنامه کمیته^۲، کمک به توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه از دغدغه‌های اصلی این کمیته به‌شمار می‌آید (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۳۷). شایان ذکر است که کمیته به زنان قربانی درگیری به‌عنوان بخشی از وظایف گسترده خود در حمایت و کمک به همه قربانیان درگیری‌ها کمک می‌کند (Dolan, 2014: 491).

۴. حقوق خاص مربوط به حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیته

در بررسی اسناد متعدد صادرشده از سوی کمیته با محوریت حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه، برخی از حقوق به اعتقاد کمیته و از نص مواد موجود از اهمیت بیشتری برخوردارند و کمیته با وسواس بیشتری به آنها پرداخته است. حقوقی که باز به اعتقاد این نهاد، زیربنا و اساس حفظ جان عزیزان افراد و احترام به شأن و کرامت انسانی فارغ از نظامی و غیرنظامی بودن، آزاد، اسیر یا زندانی بودن، پیر و جوان بودن و مرد و زن بودن است (Lindsey:8). حقوقی که حتی در بحبوحه جنگ و از بین رفتن ساختارهای اساسی نظام‌مندی کشور، نقض آنها و عدول از آنها توسط دولت‌ها و بازیگران درگیر، امری نیست که به باور کمیته هیچ‌گونه وجهت چه قانونی و چه اخلاقی داشته باشد.

در این قسمت از پژوهش بر آنیم تا با در نظر گرفتن دو چارچوب حقوقی بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر در ذهن، در سه بعد امنیت انسانی، حق بر سلامت و حق بر دسترسی به آموزش و اطلاعات – که به اعتقاد کمیته از بنیادین‌ترین حقوق در این زمینه به‌شمار می‌آیند – به بررسی چگونگی اعمال هنجارهای این دو حوزه با هدف حمایت از حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه با تکیه بر اسناد صادرشده از سوی کمیته، شناسایی خلأهای موجود و در نهایت در نتیجه‌گیری ارائه راهکارهای مقتضی بپردازیم.

۱.۴. حق بر امنیت انسانی

تقریباً همزمان با بانک جهانی^۳ که مفهوم حکمرانی مطلوب^۴ را ارائه داد، برنامه توسعه ملل متحد^۱

۱. ICRC People on War radio series: "women on War", March 2000.

۲. The Status of ICRC, Article 5, available at www.icrc.org.

۳. <http://www.worldbank.org>

۴. Good Governance

دکترین امنیت انسانی^۲ را تدوین کرد که چندین دهه این مفهوم صرفاً در چارچوب نظامی درک می‌شد (تاموشات، ۱۳۸۶: ۱۴۹). امنیت انسانی شامل هفت بعد اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی است. خشونت‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر آن، عیان‌ترین چهره از خشونت علیه غیرنظامیان را که بسیاری از آنان زنان و کودکان هستند، به نمایش می‌گذارد. در این حالت امنیت انسانی در مفهوم فراگیر خود اغلب به صورت چتری هنجاری برای کنوانسیون‌هایی عمل می‌کند که هدفشان حمایت و حفاظت از مردم آسیب‌پذیر در برابر اقدامات خشونت‌بار بازیگران دولتی و غیردولتی است (پاتولین کر، ۱۳۸۷: ۶۰۴).

در خصوص مفهوم امنیت انسانی دو دیدگاه مضیق و موسع وجود دارد. به موجب دیدگاه اول، امنیت انسانی عبارت از آزادی از ترس است و به موجب دیدگاه دوم که دیدگاهی حداکثرگرایانه است، امنیت انسانی، آزادی از نیازمندی‌ها و برخورداری از امکانات حیات و رهایی از بی‌حرمتی و کرامت است. امنیت انسانی در پی استقرار شرایط و موقعیت و بستری است که در آن حق‌های بشری توان و قابلیت اجرا می‌یابند. در دیدگاه امنیت انسانی، بر خلاف دیدگاه امنیت ملی، امنیت در برابر هفت نوع تهدید ذکر شده و یا در ارتباط با حقوق بشر، کرامت و نیازهای انسان تعریف می‌شود (تاجبخش، ۱۳۹۷: ۳۷۰ - ۳۷۱). امنیت انسانی متضمن نگرانی‌هایی در برابر دیدگاه امنیت ملی است. چالش‌برانگیزترین دیدگاه‌ها در تعارض میان امنیت انسانی و امنیت ملی را از جمله می‌توان در حوزه محدودیت بر تجارت مشروع سلاح‌های کوچک (SALW) با توجه به سوءاستفاده‌های احتمالی از آن مشاهده کرد. این محدودیت‌ها مورد مخالفت بسیاری از کشورهاست. مفهوم سنتی امنیت، بر حمایت دولت در برابر حملات خارجی تأکید دارد و اینکه دولت با حمایت از خود در واقع از ساکنانش حمایت می‌کند. از این دیدگاه منفعت اساسی یک دولت در حداکثر کردن توان نظامی‌اش است. هر محدودیتی بر توان نظامی دولت در کسب سلاح‌ها، تهدیدی علیه آن دولت در دفاع از خود تلقی می‌شود. این نگرانی‌ها در موضع‌گیری رسمی بسیاری از دولت‌ها در خصوص SALW منعکس شده است که بر حق دفاع از خود و اصول حاکمیت و عدم مداخله تأکید شده است (Tigerstorm, 2007: 155). در رهیافت امنیت انسانی که محور آن افراد بشر و نه حاکمیت‌هاست، موتور ترغیب‌کننده اسناد حقوق بشری، حقوق بشردوستانه و حتی اساسنامه تدوین محاکم کیفری بین‌المللی با محوریت آحاد بشر از جمله زنان است. با اینکه ممکن است واژه امنیت انسانی قدمت چندانی نداشته باشد و نخستین بار در اوایل دهه ۹۰ میلادی در گزارش توسعه انسانی برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد به کار رفته باشد، اما حقیقت این است که رد آن را در بسیاری اسناد از جمله حقوق بشردوستانه

۱. United Nations Development Programme (UNDP)

۲. Human Security

نظیر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن می‌توان یافت. در خصوص وضعیت زنان به صورت خاص بیان این نکته حائز اهمیت است که درک تهدیدهایی که ایشان در معرض آن قرار می‌گیرند، به عوامل متعددی نظیر نوع آن مخاصمه مشخص، ویژگی‌های آن، طرفین درگیر و بازیگران تأثیرگذار، اهداف مخاصمه و شناسایی قربانیان اصلی آن تنش بستگی دارد. بعضی شیوه‌ها و سازوکارهای جنگی که دولت‌های متخاصم در قبال یکدیگر از آن استفاده می‌کنند، به صورت ویژه جمعیت زنان را مورد هدف قرار داده و از ایشان به عنوان عنصری برای تضعیف و ناتوان‌سازی جبهه دیگر استفاده می‌کنند (گنج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸). به همین دلیل اساسی است که علاوه بر حمایت‌های حقوقی عام از زنان در مخاصمات مسلحانه، مواد ۱۶ تا ۲۰ کنوانسیون چهارم ژنو به طور خاص به موضوع حمایت از زنان پرداخته است. ماده ۱۴ کنوانسیون سوم ژنو - از جمله متأثر از رهیافتی موسع نسبت به امنیت انسانی- می‌گوید با زنان باید با کلیه احتراماتی که لازمه جنس آنان است رفتار شود.

۴.۱.۱. حق بر امنیت انسانی در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر

طبق موازین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، زنان اعم از اینکه رزمنده، غیرنظامی یا خارج از صحنه نبرد باشند، از همان حمایتی که مردان برخوردارند بهره‌مند می‌شوند (Lindsey: 5). در بررسی چارچوب‌های حقوقی این حوزه و در ارتباط با گروه زنان به صورت خاص باید بیان داشت که حقوق جنگ به دو شیوه اساسی درصدد تأمین امنیت انسانی گروه زنان در زمان بروز یک مخاصمه مسلحانه برمی‌آید: یکم، با تنظیم اصول و قواعد حاکم بر زمان جنگ با هدف حمایت از گروه غیرنظامی تحت تأثیر مخاصمه و دوم، با ممنوع کردن اقدامات خاص و یا تهدید به اعمال خشونت علیه جمعیت غیرنظامی یا افرادی که جزء جمعیت نظامی تلقی نمی‌شوند و یا دیگر جزء جمعیت نظامی نیستند؛ اعمالی نظیر قتل عمد، شکنجه، تجاوز که طرفین ممکن است، به عنوان شیوه جنگی به آن تمسک جویند (Lindsey-Curtet et al., 2004, 17-18).

یکی از قواعد پایه و اساسی حقوق بشر دوستانه، هم در مخاصمه داخلی و هم مخاصمه بین‌المللی این است که حملات باید کاملاً به اهداف نظامی محدود باشد (تاموشات، ۱۳۸۶: ۴۴۷). همچنین دولت‌ها در استفاده از برخی سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای خاص که تأثیرات آن می‌تواند نتایج مخرب بلندمدت و یا مادام‌العمر بر افراد انسانی داشته باشد، منع شده‌اند؛ سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی یا مین‌های ضدنفر از جمله این سلاح‌ها به شمار می‌آیند (Ambos, 2015: 7). نکته دیگر آنکه، دولت‌ها مکلف به رفتار انسانی با افراد تحت اختیار خود در زمان جنگ هستند؛ افراد غیرنظامی نباید هیچ‌گونه تبعیضی را بر اساس جنسیت خود و یا ناشی از آن تجربه کنند (Ndulo, 2009: 127).

به صورت کلی، کنوانسیون‌های ژنو مشتمل بر مقررات مختلفی‌اند که هدفشان حمایت از امنیت زنان است؛ به طور مثال، بر اساس بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو و بند ۱ ماده ۷۶ پروتکل اول الحاقی، هرگونه حمله علیه شرافت زنان به خصوص تجاوز، فحش‌ای اجباری یا هر شکل دیگر از اقدام شنیع ممنوع است (فلک، ۱۳۸۷: ۲۸۸)؛ بر این مهم باید تأکید شود که این قواعد و به‌ویژه ماده ۷۶ پروتکل الحاقی بر همه وضعیت‌هایی که کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی بر آنها قابل اعمال هستند، یعنی در سرزمین‌های اشغالی و در مورد بیگانگانی که در سرزمین یک طرف مخاصمه به سر می‌برند، اعمال می‌شود و به موجب ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو نقض شدید این قاعده به‌عنوان یک نقض فاحش قابل مجازات است (فلک، ۱۳۸۷: ۲۸۹). در همین جا باید به ممنوعیت مجازات اعدام در مورد زنان باردار و مادران کودکان خردسال نیز اشاره نمود؛ پروتکل اول الحاقی کلیه طرف‌های مخاصمه را ملزم می‌کند که از هیچ تلاشی برای جلوگیری از صدور حکم مجازات اعدام برای زنان باردار و مادران کودکان خردسال مرتبط با مخاصمات مسلحانه فروگذار نکنند (عبیدی‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۶۵).

علاوه بر حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چارچوب حقوقی حقوق بشر نیز اصولی را با هدف حمایت از امنیت انسانی گروه زنان به صورت خاص تدوین کرده است؛ در بطن حقوق بشر ما با اصولی نظیر حق بر حیات، منع شکنجه، منع رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده و اعمال مجازات مواجه هستیم که هرگونه تخطی از این اصول حتی به مقدار ناچیز و حتی در زمان وقوع بلاهای طبیعی از سوی جامعه جهانی قابل قبول نیست (Stahn, 2015: 711). از کنوانسیون‌های حقوق بشری با محوریت زنان می‌توان به کنوانسیون بین‌آمریکایی ممنوعیت، مجازات و حذف خشونت علیه زنان^۱ اشاره کرد که در آن هرگونه عمل بر مبنای جنسیت که موجب مرگ یا بروز رنج جسمی، جنسی یا روانی بر زنان چه در محیط خصوصی و چه عمومی شود را منع کرده است. از اسناد دیگر می‌توان به کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی^۲ اشاره نمود که در آن اقداماتی با هدف جلوگیری از تداوم نسل در گروهی خاص را جرم شناسایی می‌کند؛ پرواضح است که گروه هدف چنین اقداماتی چه در زمان صلح و چه جنگ زنان هستند؛ در چنین مواقعی قصد نهایی آن است که تمام یا قسمتی از گروه ملی، نژادی، قومی یا مذهبی با اعمال رفتارهای شنیع بر گروه زنان از بین بروند.

۲.۱.۴. حق بر امنیت انسانی از دیدگاه کمیته

دولت‌ها و سایر طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه مسئولیت اولیه در حمایت از افراد غیرنظامی دارند.

۱. Inter-American Convention on the Prevention, Punishment and Eradication of Violence against Women

۲. Convention on the Prevention and Punishment of Genocide

بی‌شک حضور بازیگران یا نیروهای بشردوستانه بی‌طرف در منطقه جنگی در زمانی که طرفین متخاصم نمی‌خواهند یا نمی‌توانند این تعهد اولیه خود را به مرحله اجرا درآورند، می‌تواند ایفاگر نقش باشد. این نیروها می‌توانند پایگاه امنی برای جمعیت غیرنظامی تلقی شوند که در زمان بالا گرفتن تنش به ایشان تمسک جویند.^۱ به اعتقاد کمیته، چالش اصلی در این حوزه آن است که مقوله امنیت انسانی و تأمین آن به چه شکل می‌تواند گروه زنان را به صورت خاص تحت تأثیر قرار دهد. از آنجایی که اغلب زنان به خدمت نیروهای نظامی و مسلح در نمی‌آیند، ایشان در طول مخاصمه مسلحانه در جایی که تمامی چارچوب‌های امنیتی شکسته می‌شوند و دسترسی به انواع اسلحه برای افراد گروه‌های مختلف وجود دارد، غیرمسلح باقی می‌مانند. به‌ویژه زنانی که همسر، مادر، خواهر یا دختران افراد نظامی در خط مقدم جنگ هستند می‌توانند وسیله‌ای باشند برای طرف دیگر درگیر که از ایشان به‌عنوان اهرم فشاری برای انتقام گرفتن استفاده کنند (فلک، ۱۳۸۷: ۲۷۳).

زنان اغلب با اینکه اساساً قربانیان^۲ اصلی جنگ قلمداد می‌شوند، اما ترس از آبرو و خانواده باعث می‌شود که ترجیح دهند در زمینه انواع تجربه‌های دهشتناکی که پشت‌سرگذاشته‌اند سکوت کنند و چیزی به زبان نیاورند (International Review of the Red Cross, 2014: 429). در این زمینه و با هدف فراهم کردن بستر مناسب برای اینکه زنان قربانی مخاصمات فرصت گزارش کردن خشونت‌ها را داشته باشند، به‌زعم کمیته اقدامات مؤثری می‌تواند اتفاق بیفتد، به‌طور مثال تهیه گزارش از زنان می‌تواند در جایی صورت پذیرد که مردان حضور نداشته باشند (Fride Fundacion, 2008: 3)؛ زنان به‌طور معمول در برابر همسران، برادران و پدران نمی‌توانند از تجاربی که داشته‌اند، به‌راحتی صحبت کنند. فرزندان نیز در زمان تهیه گزارش باید در جای امنی نگهداری شوند؛ تجربه‌هایی که زنان پشت سر گذاشته‌اند فراتر از درک کودکان خواهد بود (Fride Fundacion, 2008: 4).

۲.۴. حق بر سلامت

بهداشت و سلامت یکی از ارکان اساسی در نظام حقوق بشر است و برخورداری از سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی و حقوقی که باید برای همه در دسترس باشد، حق تمام افراد بشر است (مرادی، ۱۳۹۵: ۲۱). بسیاری از اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشری، حق بر سلامت را به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخته‌اند که به‌اختصار می‌توان به ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تفسیر عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان ناظر بر اجرای مقررات میثاق در زمینه

۱. ICRC/TVE film, "Women and War: At the end of a Gun", May 2000.

۲. The ICRC deliberately uses the word "victim" and not the word "survivors". This reflects the fact that not all victims survive armed conflicts and not all survivors are victims.

حق بر سلامت (Health and Human Rights Resource Guide, 2013: 10) و همچنین تلاش‌های سازمان جهانی بهداشت در تبیین حق بر سلامت اشاره کرد (مرادی، ۱۳۹۵: ۲۷). به اعتقاد تعداد معدودی از حقوقدانان و صاحب‌نظران، اساساً حق بر سلامت، ماهیت و دغدغه‌هایش کماکان موضوعی ملی مانده است و نمی‌توان به آن به چشم مسئله‌ای فراملی و فرامرزی نگریست (Stoltzfus, 2004: 141). علی‌رغم این دیدگاه، در قرن بیست و یکم باور غالب آن است که حق بر سلامت را نمی‌توان فقط به سطح داخلی کشورها محدود کرد و آن را به چشم دغدغه ملی کشورها به صورت منفک نگریست (Taylor, 2003-2004: 254). شاید بتوان این‌گونه استدلال کرد که پدیده جهانی‌شدن باعث شده مرز کشورها و حوزه داخلی کشورها مفهوم کلاسیک خود را از دست دهد (Toebe, 2014: 1-2)؛ نتیجه آنکه مردم در سراسر جهان در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند و مشکلات مردم آن سوی جهان به راحتی می‌تواند مشکل ما تلقی شود (Brundtland, 2003: 417).

در دهه‌های گذشته، جهان شاهد از دست رفتن جان هزاران فرد غیرنظامی و نقض حق بر سلامت گروه‌های مختلف از افراد به‌واسطه وقوع جنگ و خشونت‌های جمعی به‌تبع آن بوده است (M. Zuniga et al., 2013: 230). در زمان مخاصمات مسلحانه در این حوزه خاص، تمامی تلاش‌ها باید حول این محور باشد که عملکرد مناسب خدمات سلامت حفظ و اجرا شود. نقش اساسی زنان در حفظ سلامت خود، اعضای خانواده و اجتماعی که به آن تعلق دارند، باید به بهترین شکل ممکن از طریق نهادهای ذی‌ربط مورد حمایت قرار گیرد.^۲ وقوع مخاصمات بلندمدت، توانایی زنان را در انتقال دانش لازم در حوزه سلامت و به ویژه مراقبت از فرزندان به دلیل ساده از بین رفتن ساختارهای اساسی خانواده و اجتماع تقلیل می‌دهد (Bouvier, 2014: 566). برخورداری از دانش اولیه در حوزه سلامت برای زنان و دختران از عناصر تأثیرگذار بر ارتقای سلامت کل خانواده و اجتماع تلقی می‌شود. وقوع مخاصمات، دور افتادن و از دست دادن عزیزان، فشار اقتصادی مضاعف و عواملی از این دست همگی تأثیرات مخرب بلندمدت بر سلامت تمامی افراد درگیر و در آن میان زنان به‌صورت خاص خواهد گذاشت (Lee et al., 2002, 232-233).

۱.۲.۴. حق بر سلامت در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه دربرگیرنده مقررات متعددی با هدف حفظ سلامت افراد غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه است؛ این مقررات شامل موارد زیر می‌شوند: جلوگیری از تبدیل شدن افراد غیرنظامی به قربانیان تجاوز^۳ و استفاده از ایشان به‌عنوان سپر انسانی^۱، در اختیار قرار دادن غذای کافی،

1. www.who.int

۲. www.icrc.org/en/what-we-do/health

۳. منع تجاوز جنسی پیش از این در ماده ۴۴ کد لیبر (Lieber Code) به رسمیت شناخته شده بود.

پناهگاه و لباس برای افراد غیرنظامی^۲ با هدف تأمین سلامت ایشان، دسترسی به خدمات پزشکی برای افرادی که به این خدمات نیازمندند، جلوگیری از انجام فرایندهای پزشکی که توجیه عقلانی بر سلامت افراد بیمار ندارند^۳ و ... در اغلب این مقرره‌ها به صورت خاص به گروه زنان اشاره شده و نیازهای ایشان در اولویت کار قرار گرفته است؛ دلیل این امر نیز بی‌شک نیازهای ویژه ایشان به دلیل پشت سر گذاردن تجربه‌های خاص مانند بارداری، سقط جنین، داشتن کودکان شیرخوار و خردسال و ... است.

در این قسمت، شاید ضروری به نظر آید که به وضعیت سلامت زنانی که به هر دلیل در طول مخاصمات مسلحانه خواه بین‌المللی و خواه داخلی، آزادیشان سلب می‌شود، اشاره کرد. افراد به دلایل متفاوت در زمان وقوع جنگ ممکن است بازداشت شوند؛ برخی عوامل مستقیماً ناشی از جنگ بوده و به مخاصمه مربوط است (اسیران جنگی، بازداشت‌شدگان غیرنظامی)، درحالی‌که دیگر عوامل ممکن است به دلایلی به جز جنگ و وقوع آن مرتبط باشد (اغلب اشاره به آن دسته از افرادی که برای ارتکاب جرائم عادی زندانی شده‌اند) و در نهایت عامل آخر، افراد ممکن است به دلایل امنیتی از آزادی خویش محروم شوند که اغلب و نه همیشه این عامل نیز ناشی شده از جنگ و به خصوص وقوع یک مخاصمه داخلی خواهد بود (Lindsey: 16). در این شرایط مسئولیت تأمین نیازها و برخورد متناسب با کرامت انسانی این افراد بر دوش قدرت‌هایی است که مسبب محرومیت ایشان از آزادی شده‌اند؛ هرچند که غالباً این قدرت‌ها یا به عبارت بهتر در اکثر مواقع دولت‌ها حتی از ارائه خدمات و تسهیلات اولیه به این افراد از قبیل آب، خوراک، پوشاک، محل استراحت مناسب، خدمات پزشکی و ... اجتناب می‌ورزند (Lindsey: 16). به این شرایط اضافه کنید انواع برخوردهای بیمارگونه تا آستانه شکنجه جسمی و روانی را که اشخاص تحت بازداشت از سوی همین به اصطلاح قدرت‌ها تجربه می‌کنند. به همین دلیل است که تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، کنوانسیون سوم را به وضعیت اسیران جنگی^۴ و کنوانسیون چهارم را به حمایت از افراد غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه^۵ اختصاص داده‌اند. این قواعد به صورت ویژه، نحوه برخورد با گروه زنان را نیز به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر شامل می‌شود. این دو کنوانسیون^۶ مقرر می‌دارند زنانی که آزادیشان سلب شده باید در اماکن مجزا از مردان اسکان داده شوند (هنکرتز و دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۶۲۰). همچنین نظارت مستقیم بر زنان محروم از آزادی

۱. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۲۳؛ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۲۸؛ پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۱.

۲. مواد ۸۹ به بعد و مواد ۹۱ به بعد کنوانسیون چهارم ژنو

۳. کنوانسیون اول ژنو، ماده ۱۲؛ کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۱۲؛ کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۳ و کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۳۳.

4. Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War of 12 August 1949.

5. Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War of 12 August 1949.

۶. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۲۵، بند ۴؛ ماده ۲۹، بند دوم، ماده ۹۷، بند ۴ و ماده ۱۰۸، بند ۲؛ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۷۶، بند ۴، ماده ۸۲، بند ۳، ماده ۸۵، بند ۴ و ماده ۱۲۴، بند سوم.

می‌بایست توسط زنان انجام گیرد.^۱ این قاعده در ماده ۷۵ پروتکل الحاقی اول نیز ارائه شده و به‌عنوان تضمینی بنیادین است که نسبت به کلیه زنان که در نتیجه درگیری‌های مسلحانه از آزادی محروم شده‌اند، قابل اعمال است.^۲ کنوانسیون سوم ژنو حاوی تعهدات ایجابی در خصوص رفتار با زنان است و حمایت ویژه‌ای را در هنگام توقیف آنها پیش‌بینی کرده است (فلک، ۱۳۸۷: ۴۴۰). در این زمینه به‌صورت خاص می‌توان به مواد ۱۴ و ۱۶ کنوانسیون سوم اشاره کرد که به‌ترتیب بیان می‌دارند: «دولت‌ها باید با زنان متناسب با جنسیت ایشان در شرایط مختلف برخورد کنند...»^۳ و «... مقررات سند حاضر بدون هیچ‌گونه تبعیض ناشی از جنسیت باید برای تمام افراد بازداشتی اعمال شود».^۴

در خصوص حق بر سلامت زنان، تدوین‌کنندگان اسناد بر این امر واقف‌اند که برخی مسائل نظیر داشتن حریم خصوصی، نیازهای فیزیولوژیک خاص زنان، بارداری و زایمان همگی از مسائلی هستند که به‌هنگام بازداشت یا اسارت باید در نظر گرفته شوند (Lindsey-Curtet et al. 2004: 115). برای نمونه زنان اگر به‌همراه نوزادان یا فرزندان خردسال خود در چنین شرایطی قرار بگیرند به فضای بیشتر برای گذراندن دوران بازداشت یا اسارت نیاز دارند؛ همچنین نیاز ایشان به خدمات حوزه سلامت و بهداشت در چنین موقعیت‌هایی نیازی انکارناپذیر است. نبود ساختارهای پزشکی متناسب با مکان‌های بازداشت، فقدان زیرساخت‌های مناسب و دسترسی محدود به تسهیلات سلامت جایگزین (بنا به دلایلی نظیر نگرانی‌های امنیتی، نبود نگهبان‌های کافی، ناتوانی در پرداخت هزینه‌های خدمات حوزه سلامت و محدودیت وسایل حمل‌ونقل به‌ویژه به‌هنگام زایمان زنان باردار) می‌تواند تأثیر مستقیم و همیشگی بر سلامت و یا حتی جان زنان محروم از آزادی بگذارد (Lindsey-Curtet et al., 2004: 115).

در خصوص حقوق بشر زنان و حمایت از آنچه به‌هنگام صلح و چه جنگ، در گذشته مهم‌ترین نگرانی، ماندن بر سر این دوراهی بود که آیا زنان به واسطه خودشان و زن‌بودنشان است که از اصول حقوق بشری برای تضمین سلامت خویش بهره‌مند می‌شوند یا صرفاً به‌واسطه مادر شدن و به دنیا آوردن فرزندان (عبیدی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۳۴)؛ هرچند که در حال حاضر، ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌راحتی

۱. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۹۷، بند ۴ و ماده ۱۰۸، بند ۲؛ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۷۶، بند ۴ و ماده ۱۲۴، بند ۳.

۲. پروتکل الحاقی اول، ماده ۷۵، بند ۵.

۳. Art.14. "Prisoners of war entitled in all circumstances to respect for their persons and their honour.

Women shall be treated with all the regard due to their sex and shall in all cases benefit by treatment as favorable as that granted to men. Prisoners of war shall retain the full civil capacity which they enjoyed at the time of their capture. The detaining power may not restrict the exercise, either within the or without its own territory, of the rights and capacity confers except in so far as the captivity requires".

4. Art.16. "Taking into consideration the provisions of the present convention relating to rank and sex, and subjected to any privileged treatment which may be accorded to them by reason of their state of health, age or professional qualifications, all prisoners of war shall be treated alike by the detaining power, without any adverse distinction based on race, nationality, religious belief or political options, or any other distinction founded on similar criteria".

می‌تواند پرسش ما را پاسخ دهد:

«تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

در بند ۱ ماده ۲۵ نیز به حق همه افراد در برخورداری از سطحی از استاندارد سلامت و رفاه از حیث خوراک، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات لازم تأمین اجتماعی برای خود و خانواده‌هایشان اشاره شده است.^۱ اصلی‌ترین و جامع‌ترین سندی که به صورت خاص حول محور سلامت زنان می‌چرخد، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^۲ است. این کنوانسیون که در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید، یک سند حقوقی بین‌المللی قوی است که احترام به حقوق انسانی زنان و رعایت آن را مورد توجه قرار می‌دهد. ماده ۲ کنوانسیون، کشورهای عضو را به صورت کلی ملزم می‌کند تا به کمک همه ابزارهای مناسب و بدون تأخیر، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را پیگیری کنند؛ به‌ویژه رفع تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی و تضمین دسترسی به خدماتی که مربوط به تنظیم خانواده است، در نتیجه کشورهای عضو تعهداتی را برای جلوگیری از به خطر افتادن سلامت زنان می‌پذیرند.

۲.۲.۴. حق بر سلامت از دیدگاه کمیته

در زمان مخاصمات مسلحانه و برای زنان تحت تأثیر جنگ گسترده‌ای کامل از خدمات پزشکی باید موجود و در دسترس باشد. به اعتقاد کمیته، به دلیل اینکه افراد تحت تأثیر جنگ به لحاظ اقتصادی ضعیف‌تر می‌شوند، خدمات پزشکی اگر به صورت رایگان و به‌واسطه سازمان‌های حقوق بشری در اختیار مردم جنگ‌زده قرار نگیرد، به کالایی لوکس تبدیل خواهد شد که افراد عادی بهره‌مندی از آن را تجربه نخواهند کرد (Lee et al., 2002: 237). مثالی روشن از توجه به نیازهای ویژه زنان در زمان درگیری‌های مسلحانه، الزام به مراقبت ویژه از زنان باردار و مادران کودکان خردسال به‌ویژه نوزادان است. الزام به این موضوع در سراسر کنوانسیون چهارم ژنو و همچنین پروتکل اول الحاقی دیده می‌شود. این مقررات حاکی از لزوم مراقبت‌های ویژه از زنان باردار و مادران کودکان خردسال از جمله تأمین غذا، پوشاک، مراقبت‌های پزشکی و چگونگی جابه‌جایی ایشان است (هنکرتز و دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۶۸۱). این پروتکل همچنین مقرر می‌دارد که حمایت و مراقبت از بیماران و مجروحان می‌بایست مشکلات ناشی از بارداری و زایمان و خدمات فوری

۱. بند ۲ این ماده بیان می‌دارد:

"مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت‌های خاص بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه خارج از نهاد ازدواج به دنیا آمده‌باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند".

۲. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, entered into force on 3 September 1981.

پزشکی را نیز شامل شود. به استناد ضمام اول کنوانسیون‌های اول و چهارم ژنو، طرف‌های مخاصمه مسلحانه می‌توانند جهت ایجاد مناطق و تسهیلات بیمارستانی جهت محافظت از مجروحان و بیماران و همچنین کارکنان پزشکی در برابر آثار مخاصمه توافق کنند (فلک، ۱۳۸۷: ۴۱۶).

آنچه از بررسی اسناد کمیته به دست می‌آید درک این واقعیت است که به زعم کمیته، در حوزه سلامت باروری دسترسی به خدمات در زمان مخاصمات مسلحانه سخت‌تر و پیچیده‌تر خواهد بود. اغلب یکی از پیامدهای وقوع جنگ از بین رفتن نظام خدمات سلامت است. از آنجایی که خدمات پزشکی خدمات پیشگیری و درمان است، بی‌شک باید این خدمات در مناطق جنگ‌زده و در دسترس افراد تحت تأثیر قرار بگیرد. نهادهای ذی‌ربط ملی و بین‌المللی حوزه سلامت باید در وقت مقتضی به ارزیابی‌های دقیق به‌ویژه در حوزه مرگ مادران، میزان تولد و مرگ نوزادان بپردازند، تخمین‌ها برای برآورد نیاز به خدمات پزشکی و جراحی برای افراد مجروح انجام پذیرد و بستر لازم برای تأمین سلامت جسمی و روانی افراد غیرنظامی و حتی نظامی و بازگرداندن ایشان به شرایط عادی فراهم شود.

کمیته از این حقیقت آگاه است که در زمان جنگ، طرفین مخاصمه درمان پزشکی افراد نظامی مجروح‌شده در جنگ را در اولویت دستور کاری خود قرار می‌دهند، نه برای آنکه جان ایشان عزیزتر از بقیه است بلکه به این دلیل واضح که دولت‌ها به درمان سریع‌تر افراد نظامی مجروح برای مشارکت مجدد در درگیری نیاز دارند (Lindsey-Curtet et al., 2004: 77). با این حال دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی مستقر در منطقه باید درمان پزشکی فوری و نیاز به جراحی‌های پزشکی افراد غیرنظامی تحت تأثیر جنگ را نیز به همان میزان اهمیت درمان افراد نظامی در دستور کار قرار دهند. ارزیابی‌ها و در دسترس قرار دادن خدمات جراحی باید شامل کادر پزشکی متخصصین زایمان و متخصصین بیماری‌های زنانه شود (عبیدی‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۶۵)؛ همچنین گروه پزشکی باید از هنجارهای مذهبی و فرهنگ غالب منطقه آگاهی‌های کافی را داشته باشند و با در نظر قرار دادن این موضوعات، مصاحبه‌های لازم را با زنان و دختران به‌ویژه آنانی که تجربه خشونت جنسی را پشت سر گذاشته‌اند، انجام دهند. به همین میزان اهمیت، کادر پزشکی باید از قانونگذاری‌های ملی و رویه‌های قضایی موجود در حوزه سلامت منطقه اطلاعات کافی داشته باشند؛ چراکه به میزانی که آگاهی در این حوزه‌ها در کادر پزشکی بیشتر باشد نحوه در دسترس قرار گرفتن خدمات نیز کیفیت بهتری را تجربه خواهد کرد.^۱

۱. کمیته تأکید می‌کند که برای زنان در آستانه زایمان باید خدمات مراقبت و تجهیزات جراحی فوری در دسترس باشد، کادر پزشکی متخصص و مجرب در زمان زایمان حضور داشته باشند و محیطی امن و جداسده برای عمل زایمان فراهم شود. به مانند زمان صلح باید تا جایی که امکان دارد زنان قادر باشند خودشان محل زایمان و روش زایمان را انتخاب کنند؛ هرچقدر در این فرایند حضور کادر پزشکی متخصص پررنگ‌تر باشد، میزان مرگ‌ومیر مادران و نوزادان ایشان کمتر خواهد بود.

۳.۴. حق بر دسترسی به آموزش و اطلاعات

در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۲ و ۳ آن آمده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل کسب آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن ... می‌شود؛ اعمال حقوق ارائه شده در بند ۲ این ماده که همراه با وظایف ویژه و مسئولیت‌هایی است، ممکن است تابع محدودیت‌های معینی قرار گیرد. این محدودیت‌ها فقط باید بنا به ضرورت‌های ذیل و به وسیله قانون انجام گیرد:

الف) برای احترام به حقوق یا حیثیت دیگران،

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی».

آموزش که روشی برای نشر آگاهی‌ها، عقاید و باورهاست، برای هر شخص، یکی از منابع اصلی بیان فکر اوست (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۸۸). در برخی کشورها، دولت‌ها مفاد و محتوای آموزش را تعیین می‌کنند و در برخی، دولت‌ها افراد و خانواده‌هایشان را در خصوص تصمیم‌گیری درباره آموزش، آزاد می‌گذارند (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۸۸). آموزش، نخستین اولویت و نیاز مردم است. امروزه حق برخورداری از آموزش برای همه اشخاص به رسمیت شناخته شده و به آنها امکان رشد شخصیت، بالا بردن سطح آموزش و فرهنگ، موفقیت در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای و اعمال حق و وظیفه شهروندی را می‌دهد (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

دسترسی به آموزش و اطلاعات از عناصری است که در مواجهه با محاصره مسلحانه و تبعات آن بسیار تأثیرگذار عمل می‌کند (An ICRC Guidance Document: 36). آموزش، پیش‌نیاز تصمیم‌گیری آگاهانه است؛ ابزاری است برای مشارکت کامل در جامعه، تأمین هزینه‌های زندگی و متصور شدن آینده‌ای روشن. اعتقاد رایج حول آن محور است که زنان می‌توانند مشارکتی ارزشمند در ایجاد و پابرجا نگه داشتن صلح داشته باشند، چراکه ایشان نقش کلیدی در خانواده دارند. هر اندازه زنان تحصیل کرده‌تر باشند، خانواده خانواده بهتری می‌شود و در نتیجه جامعه‌ای پیشرفته‌تر و صلح‌پذیرتر خواهد شد (Lindsey-Curtet et al., 2004: 95). توجه به این واقعیت از آن حیث اهمیت مضاعف دارد که زنان نسبت به مردان اغلب از دسترسی کمتری به آموزش و تحصیلات برخوردارند. در دنیای معاصر به‌رغم تمامی پیشرفت‌های شکل گرفته کماکان اکثریت افراد فاقد تحصیلات آکادمیک که هیچ‌گونه دسترسی به خدمات آموزش و مهارت‌های فنی ندارند از گروه زنان هستند^۱ و همین مسئله بر کیفیت و سبک زندگی ایشان تأثیری انکارناپذیر خواهد گذاشت. هنگامی که در زمان صلح وضعیت چنین اسفبار

باشد، در زمان بروز یک مخاصمه مسلحانه دسترسی به آموزش بی‌شک با موانع و محدودیت‌های بیشتر و جدی‌تر مواجه خواهد بود. جمعیت غیرنظامی اغلب از دسترسی به اطلاعاتی که تأثیر مستقیم بر امنیت جانی ایشان دارد بی‌بهره می‌مانند، دلیل مشخص است راه‌های متعارف انتقال اطلاعات یا دیگر در دسترس نیست یا اینکه در بی‌طرفی آن شک وجود دارد.

۱.۳.۴. حق بر دسترسی به آموزش و اطلاعات در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر

بیشترین تمرکز حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه آموزش بر تحصیل کودکان قرار دارد.^۱ به موجب مقررات این حوزه، از دولت‌های درگیر در جنگ خواسته می‌شود که دسترسی به خدمات آموزش و تحصیل کودکان جداشده از خانواده‌ها^۲ را فراهم آورند. این آموزش‌ها بهتر است از سوی کادری صورت پذیرد که بیشترین اشتراکات فرهنگی را با کودکان دارد (Lindsey-Curtet et al., 2004: 95). در زمان اشغال، دولت اشغالگر باید بستر لازم برای تضمین فعالیت‌های ملی و محلی نهادهای آموزشی کودکان را فراهم آورد. بر اساس مواد ۲۹ و ۴۷ به بعد کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۴۳ مقررات لاهه قدرت اشغالگر، مسئولیت سرزمین‌های اشغالی و ساکنان آن را به‌عهده دارد؛ همچنین بر اساس بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم، مواد ۴۸ به بعد، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و ماده ۴۶ مقررات لاهه غیرنظامیان حق دارند که شخصیت، شرافت، حقوق خانوادگی، اعتقاد مذهبی و رسوم و عاداتشان مورد احترام واقع شود؛ امری که در دنیای تئوری صرف بیان هنجارها مطرح کردن آن آسان اما در دنیای عمل حتی تصور آن در اغلب شرایط، دور از ذهن است.

حق بر آموزش و پرورش در اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ و میثاقین به‌صراحت شناسایی شده است. هدف اصلی مقررات این اسناد و سایر اسناد این حوزه مانند کنوانسیون حقوق کودک^۴ تضمین دسترسی کودکان به آموزش فارغ از جنسیت ایشان است. کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان نیز بر حق بر تحصیل افراد نوجوان و بزرگسال تأکید دارد و از دولت‌های عضو می‌خواهد که در زمینه آموزش و دسترسی به اطلاعات برابر – که این امر شامل برنامه‌های تنظیم خانواده نیز می‌شود – برای زنان و مردان و برای تمامی افراد فارغ از جنسیت امکانات لازم در نظر گرفته شود.

۱. در خصوص حق بر آموزش در زمان مخاصمات مسلحانه در اسناد بین‌المللی چندان به گروه خاص زنان اشاره نشده است، شاید به این دلیل که در مقایسه، کودکان در اولویت بهره‌مندی از حق بر آموزش برخوردارند.

۲. www.icrc.org/en/war-and-law/protected-persons/children

۳. ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌صراحت بر حق تک تک افراد جامعه بشری بر بهره‌مندی از آموزش و پرورش تأکید می‌ورزد.

۴. Convention on the Rights of the Child, entered into force on 2 September 1990.

۲.۳.۴. حق بر دسترسی به آموزش و اطلاعات از دیدگاه کمیته

همان گونه که مشاهده شد در اسناد بین المللی مواد یا مقرراتی که به صراحت و مستقیم موضوع حق بر آموزش و دسترسی به اطلاعات برای زنان در مخاصمات مسلحانه را محور کار قرار دهند، چندان درخور توجه نبوده و دغدغه اصلی اسناد و تمرکز آن ها بر آموزش کودکان قرار گرفته است و همین مسئله یکی از اصلی ترین خلأها در این زمینه به شمار می آید. چگونه است که حق بر دسترسی به آموزش و اطلاعات که از اساسی ترین حقوق بشر افراد به استناد اسناد متعدد حقوق بشری جهانی و منطقه ای فارغ از جنسیت به شمار می آید؛ در شرایط خاص و بحرانی بروز یک مخاصمه مسلحانه تأمین آن برای گروه زنان و در رابطه با ایشان به شکلی غریب مورد بی توجهی قرار می گیرد.

در بررسی اسناد منتشر شده از سوی کمیته متوجه می شویم که به اعتقاد نهاد، چالش اصلی در این حوزه آن است که مخاصمات مسلحانه چه تأثیری بر آموزش و دسترسی به اطلاعات خواهد گذاشت. به هنگام بروز یک مخاصمه مسلحانه خدمات آموزش از اولین حوزه های خدماتی است که تأثیر جدی از جنگ می پذیرد، معلمان و مدرسان از منطقه درگیر فرار می کنند، مدرسه ها بسته می شوند و کودکان اغلب مجبور به جابه جا شدن می شوند. به صورت خاص، زنان و دختران از اولین گروه هایی خواهند بود که در نبود درآمدی برای خانواده مجبور به ترک تحصیل خواهند بود. نکته درخور درنگ آن است که اتفاقاً در زمان بروز جنگ نیاز بیشتری به کسب آموزش و اطلاعات برای زنان و مردان و کودکان در حوزه های مختلف حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بشر، حوزه سلامت و سازوکارهای مواجهه با پدیده جنگ وجود خواهد داشت. در این میان به طور مثال ارائه آموزش و اطلاعات به شکل ویژه در رابطه با مین از اهمیت خاصی برخوردار است؛ باید به افراد غیرنظامی در خصوص مناطق مین گذاری شده و مناطق مشکوک و مین های عمل نشده آموزش های لازم ارائه شود (Lindsey-Curtet et al., 2004: 96). زنان نیز از این قاعده مستثنا نیستند، ایشان به اطلاعات لازم برای قادر ساختنشان به تصمیم گیری های آگاهانه نیاز مبرم دارند، باید از حقوق خود آگاهی یابند و می بایست از کمک های لازم و آموزش کافی در حوزه کسب درآمد به شکل مستقل برخوردار باشند.

به اعتقاد کمیته، رسانه های محلی از عناصر کلیدی در دسترسی و انتقال اطلاعات به زنان در مخاصمات مسلحانه قلمداد می شوند. برای بسیاری از زنان، تحصیلات کودکان دغدغه اول و آخر برای ایشان به شمار می آید. نه تنها با وقوع جنگ و تعطیل شدن مدارس، مادران به شدت احساس خواهند کرد که آینده فرزندان شان با خطر جدی مواجه می شود، بلکه حضور فرزندان در مدرسه به مادران این فرصت را می داد که به یادگیری آموزش ها و مهارت های زندگی برای خود و کسب درآمد بپردازند که با وقوع

جنگ این فرصت از ایشان گرفته می‌شود. سازمان‌های حقوق بشری موجود در منطقه باید در برنامه‌های خود توجه ویژه به محدودیت‌هایی که زنان با آن روبرو می‌شوند، داشته باشند؛ محدودیت‌هایی مانند مسئولیت فرزندان، دسترسی نداشتن به مهارت‌های آموزشی و تحصیلی، سرپرست خانواده شدن به واسطه درگیر شدن مستقیم اعضای مذکر خانواده در جنگ و ... (Lindsey-Curtet et al., 2004: 96-97).

۵. نتیجه

مخاصمات مسلحانه از ملموس‌ترین پدیده‌های حال حاضر برای بسیاری از مردمان ساکن در این کره خاکی تلقی می‌شود. غریب است که به‌رغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته در اشکال مختلف، چه پیش از تأسیس سازمان ملل متحد و چه بعد از آن، کماکان تمامی ما روز خود را با شنیدن خبر وقوع جنگ یا تنش در منطقه‌ای خاص شروع می‌کنیم و آمار افراد کشته‌شده‌ای را پیگیری می‌کنیم که در پس هر کدام از آن عده‌ها، یک زندگی از میان رفته است، عزیزی دیگر زنده نیست و فقدان همیشگی برای اطرافیان به یادگار گذاشته است. در میان گروه‌های مختلف افراد در معرض جنگ، گروه زنان از آسیب‌پذیرترین‌ها به‌شمار می‌آیند؛ نه صرفاً به آن معنا که ضعیف‌ترند، بلکه به این دلیل که عوامل بیولوژیکی و محیطی توأمان بستری را فراهم می‌کنند که زنان با شدت بیشتری و در گستره متفاوت‌تری از مخاصمات مسلحانه تأثیر می‌پذیرند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سالیان متمادی از بعد از تأسیس و به‌ویژه در دهه‌های اخیر – به دلیل وقوع جنگ‌های داخلی بیش‌ازحد تصور – نگرانی خود را در خصوص وضعیت زنان در مخاصمات مسلحانه ابراز کرده است. به‌دنبال این نگرانی بود که در سال ۱۹۹۸، کمیته مطالعات به‌صورت گسترده خود را در حوزه زنان و مخاصمات مسلحانه با داشتن سه هدف اصلی در ذهن آغاز کرد: یکم، شناسایی نیازهای زنان تحت تأثیر جنگ فارغ از آنکه این نیازها در گستره فعالیت و تخصص کمیته هستند یا نه؛ دوم، بررسی اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و به‌صورت خاص‌تر حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای رسیدن به چارچوب حقوقی حمایتی حداکثری از این گروه انسانی و سوم، ترسیم تصویری کلی از عکس‌العمل‌های کاربردی و مؤثر این نهاد در مواجهه با نیازهای زنان متأثر از مخاصمات مسلحانه. در این مطالعات بود که کمیته در دو چارچوب حقوقی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر موجود به شناسایی برخی حقوق خاص در زمینه زنان دست یافت؛ حقوقی مانند حق بر امنیت انسانی، حق بر سلامت، حق دسترسی به آموزش و اطلاعات، حق آزادی رفت‌وآمد، حق داشتن سرپناه، دسترسی به آب و مواد غذایی و ... به باور کمیته، تلاش حداکثری از سوی دولت‌های درگیر، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و نهادهای بشردوستانه برای تأمین این نیازها و اعمال و اجرای کامل این حقوق می‌تواند به‌مثابه مستمسکی قلمداد شود برای نجات

جان و حفظ کرامت انسانی میلیون‌ها زن درگیر در یک مخاصمه مسلحانه.

در این پژوهش با بررسی اسناد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و واکاوی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر در حوزه حقوق زنان، می‌توان پاسخ به این پرسش را که آیا چارچوب‌های حقوقی به درستی بر نیازهای زنان به‌هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه متمرکز شده‌اند چنین بیان داشت که به‌جز موارد محدود و استثنایی به شکل کلی آنچه باید در قالب هنجارهای حقوقی توسط جامعه بین‌المللی وضع می‌شده، صورت پذیرفته است؛ اما این تلاش‌ها زمانی اثر خود را به‌درستی نشان می‌دهد که ما با دولت‌ها و قدرت‌هایی به‌هنگام وقوع یک مخاصمه مسلحانه مواجه باشیم که تمایل به اعمال اصول و قواعد وضع شده را داشته باشند. حقیقت تلخ روزگار به ما ثابت کرده است که زنان غیرنظامی در معرض خطر فزاینده جنگ‌های معاصر قرار می‌گیرند؛ ایشان نه‌تنها به‌واسطه جنس و جنسیت از مصونیت به‌هنگام وقوع جنگ برخوردار نیستند، بلکه همین مسئله زمینه‌ساز آسیب‌پذیری بیشتر این گروه خاص می‌شود. چالش اصلی در این بستر آن است که برای جنگ‌هایی که در آینده به‌وقوع می‌پیوندند، به چه شکل می‌توانیم اعمال اصل تفکیک میان افراد غیرنظامی و نظامیان و میان گروه زنان و مردان - به یاد داشته باشیم اعمال اصل تبعیض میان زنان و مردان مطلقاً به معنای نادیده گرفتن نیازهای مردان نیست دلیل اصلی آن است که گروه مردان به‌طور معمول به عضویت نیروهای مسلح یک طرف دیگر درمی‌آیند - را به شکلی به مرحله اجرا درآوریم که از ابعاد گسترده خشونت که زنان تجربه می‌کنند، بکاهیم. برای پر کردن این خلأ صرفاً تدوین هنجارهای حقوقی و سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی، موانع را از پیش رو نر نمی‌دارد؛ ماهیت جنگ، ماهیتی سیاسی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است و به اقتضای هریک از این عوامل سازوکارهای تضمین حداکثری جان افراد و در اینجا گروه زنان متفاوت عمل خواهد کرد.

جنگ، چه داخلی و چه بین‌المللی، به رنج‌های فراوان برای افراد تحت تأثیر آن منجر می‌شود. اما آنچه در این پژوهش به‌دنبال آن بودیم، بررسی اشکال تأثیرپذیری زنان از جنگ در پرتو اسناد صادرشده از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. جنگ برای زنان به معنی جدایی، از دست دادن عزیزان، آواره شدن، در معرض انواع خشونت قرار گرفتن و مرگ است. جنگ زنان را وارد برهه‌ای از زندگیشان می‌کند که هیچ‌گونه شناخت یا تجربه قبلی برای مواجهه با آن نداشته‌اند. تمامی پیشامدها تازه است و دردناک؛ در نتیجه ایشان باید نقش‌های پیشین خود را به کناری بگذارند و بر اساس مقتضیات و اوضاع و احوال رخ داده، زیست جدیدی را آغاز نمایند. تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حول آن محور است که تئوری‌های روی کاغذ را برای زنان تبدیل به واقعیت کند. زنان باید در نتیجه اقدامات اتخاذشده از سوی دولت‌ها و نهادهای ذی‌ربط و با نظارت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به شکلی از فرایند تجربه یک مخاصمه مسلحانه خارج شوند که آثار و تبعات آن تا پایان زندگی همراه ایشان نباشد و در این مسیر دچار مرگ تدریجی نشوند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. الهویی نظری، حمید (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: دادگستر.
۲. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۴). حقوق سازمان‌های بین‌المللی. ج ۱، تهران: مجد.
۳. تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر. تهران: میزان.
۴. عباسی، بیژن (۱۳۹۵). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. تهران: دادگستر.
۵. عبیدی‌نیا، مریم (۱۳۹۸). حق بارداری و زایمان ایمن در ایران و حقوق بین‌الملل. تهران: دادگستر.
۶. عسکری، پوریا و هنکرتز، ژان ماری (۱۳۹۰). مجموعه مقالات همایش حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، تهران: مجد.
۷. فلک، دیتز (۱۳۸۷). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل سازمان‌های غیردولتی. تهران: خرسندی.
۹. کاسسه، آنتونیو (۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل. حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان.
۱۰. مرادی، علی (۱۳۹۵). حق سلامت انسان در حقوق بین‌الملل بشر. تهران: قانون یار.
۱۱. ممتاز، جمشید و رنجریان، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: میزان.
۱۲. مولاوردی، شهیندخت و همکاران (۱۳۸۵). مقابله با خشونت علیه زنان در کشورهای اسلامی. تهران: حقوقدان.
۱۳. مقتدر، هوشنگ و اردلان، اسعد (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: وزارت امور خارجه.
۱۴. نقیعی مفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی‌شدن حقوق بشر. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۵. والاس، ربکا (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل. سید قاسم و مهناز زمانی بهراملو، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۶. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدیک، لوئیس (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی. کتابون حسین‌نژاد و پوریا عسکری، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ج ۱، تهران: مجد.

ب) مقالات

۱۷. اردستانی، علی و کامجو، الهه (۱۳۹۷). بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه؛ یک ارزیابی

- نظری. دوفصلنامه حقوق بشر، ۱، ۶۷-۹۰.
۱۸. تاجبخش، شهریانو (۱۳۹۷). مفهوم امنیت انسانی و ابعاد سیاستگذارانه آن. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲۸(۸).
۱۹. توحیدی، احمدرضا و داداشی، آزاده (۱۳۹۸). رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به عنوان خشونت جنسی. پژوهش‌های حقوقی، ۱، ۷-۴۰.
۲۰. حسینی، سیده لطیفه و محمدزاده، ناهید (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی حمایت‌های حقوق بشری زنان در مخاصمات مسلحانه. پژوهشنامه حقوق بشری، ۱۸، ۴۵-۸۲.
۲۱. حقیقی کفاش، منصوره و سجادیپور، سید محمدکاظم (۱۳۹۹). اقدامات شورای امنیت در حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه (۱۹۹۱-۲۰۱۷). فصلنامه سیاسی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴(۵)، ۱۰۹۳-۱۱۱۰.
۲۲. خاک، روناک (۱۳۸۷). جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری. مجله حقوقی بین‌المللی. نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۹، صص. ۱۴۶-۱۰۱.
۲۳. فرخ‌نژاد، سجاد؛ دریکوند، میثم و رشیدی مجد، سامان (۱۳۹۵). بررسی حقوق زنان و کودکان در حقوق بشردوستانه. اولین همایش ملی آینده‌پژوهی علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
۲۴. کر، پاتولین (۱۳۸۷). امنیت انسانی. مترجم دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره سوم، ش ۴۱.
۲۵. کرباسی، سیده آرزو (۱۳۹۶). بررسی مفهوم و اشکال خشونت جنسی علیه زنان در مخاصمات مسلحانه. کنفرانس سالانه پژوهش‌های حقوقی و قضایی، دانشگاه پیام نور یزد.
۲۶. گنج‌بخش، محمود؛ موسی‌زاده، رضا و آل‌کجیاف، حسین (۱۳۹۵). حمایت از زنان قربانی ترور در حقوق بین‌الملل: در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین‌المللی. مطالعات زن و خانواده، ۴(۱)، ۱۳۸-۱۱۳.
۲۷. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ حیدری، محمدعلی و نیکو منطری، امین (۱۳۹۲). خصومت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۵(۱۷)، ۹-۲۰.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ambos, K. (2015). *The Rome Statute of the International Criminal Court, A Commentary*, C.H.Beck. Hart. Nomos, Third Edition..
2. Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmschurst, E. (2010). *An Introduction to International Criminal Law & Procedure*, Cambridge University Press, Second Edition.
3. Fleck, D. (2008). *The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflicts*. translated by Zamani, Seyed Ghasem, Saed, Nader, Tehran, The SD Institute of Law Research & Study.
4. Henckaerts, J. M., & Doswald-Beck, L. (2008). *Customary International Humanitarian Law*. ICRC, Tehran, Majd Publication.
5. Lee, K., Buse, Kent, Fustukian, Suzanne (2002). *Health Policy in a Globalising World*, Cambridge University Press.

6. M. Zuniga, Jose, P. Marks, Stephen, O. Gostin, L. (2012). *Advancing the Human Right to Health*, Oxford University Press.
7. Wallace, M.M., Rebecca (2011). *International Law*, translated by Zamani, Seyed Ghasem, Bahramlu, Mahnaz, Tehran, The SD Institute of Law & Study.
8. Stahn, C. (2015). *The Law & Practice of the International Criminal Court*, Oxford University Press.
9. Tigerstorm, Barbara (2007). *Human Security and International Law, Prospects and Problems*, Oxford.
10. *Health & Human Rights, Resource Guide*, Harvard School of Public Health, Harvard University. FXB Center for Health & Human Rights & Open Society Foundations, 2013.

B) Articles

11. Bouvier, P. (2014). Sexual Violence, Health and Humanitarian ethics: towards a Holistic Person-Centered Approach. *International Review of the Red Cross*.
12. D. Ni Aolain, F. (2010). Advancing Women's Rights in Conflict & Post-Conflict Situations. *ASIL Proceedings*, pp. 568-570.
13. Dolan, C. (2014). Letting go of the Gender Binary: Charging New Pathways for Humanitarian Interventions on Gender-Based Violence. *International Review of the Red Cross*.
14. Grewal, K. (2010). Rape in Conflict, Rape in Peace: Questioning the Revolutionary Potential of International Criminal Justice for Women's Human Rights. *the Australian Feminist Law Journal*, 33, 57-79.
15. Krill, F. (1985). ICRC, the Protection of Women in International Humanitarian Law. *International Review of the Red Cross*, 249, November-December 1985, 337-363.
16. Lindsey, Charlotte, Women Facing War, ICRC Study on the Impact of Armed Conflict on Women, Executive Summary. *International Committee of the Red Cross*, 1-29.
17. Lindsey-Curtet, Charlotte, Holst-Roness, Florence Tercier, Anderson, Letitia (2004). "Addressing the Needs of Women Affected by Armed Conflict, An ICRC Guidance Document", *International Committee of the Red Cross, Women & War*, Geneva, Switzerland.
18. Ndulo, M. (2009). The United Nations Responses to the Sexual Abuse and Exploitation of Women and Girls by Peacekeepers During Peacekeeping Missions. *Berkeley Journal of International Law*, 27(1), 127-161.
19. Seneviratne, W. (2008). International Legal Standards Pertaining to Sexual Violence Against Displaced Women in Times of Armed Conflict with Special Reference to the Emerged Jurisprudence of the ICJY & ICTR. *Sri Lanka Journal of International Law*, 2, 1-28.
20. Justice for Women: Seeking Accountability for Sexual Crimes in Post-Conflict Situations. *Fride Foundation*, Seminar in Brussels, 13-14 May 2008.
21. Annex to the Guidance Document, General and Specific Protection of Women under International Humanitarian Law, addressing the Needs of Women affected by Armed Conflict", *an ICRC Guidance Document*, 2014.
22. Sexual Violence in Armed Conflict: from Breaking the Silence to Breaking the Cycle", *International Review of the Red Cross*, 2014.
23. Stoltzfus Jost, T. (2004). Comparative and International Health Law. *Health Matrix*, 14.
24. Taylor, Allyn L. (2003-2004). Global Health Governance and International Law.

Whittier Law Review, 25.

25. Toebes, B. (2014). International health Law: An Emerging Field of Public International Law. *Faculty of law, University of Groningen, the Netherlands*.
26. Brundtland, Gro Harlem (2003). Global Health and International Security. *Global Governance*, 9.

C) Documents

27. Charter of the United Nations, entered into force on 24 October 1945.
28. The Universal Declaration of Human Rights, proclaimed by the United Nations General Assembly on 10 December 1948.
29. International Covenant on Civil and Political Rights, entered into force 23 March 1976.
30. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, entered into force on 3 January 1976.
31. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, entered into Force on September 1981.
32. Convention on the Rights of the Child, entered into force on 2 September 1990.
33. Constitution of the World Health Organization, adopted by the International Health Conference held in New York from 19 June to 22 July 1946, signed on 22 July 1946 by Representatives of 61 States, entered into force on 7 April 1948.
34. Rome Statute of the International Criminal Court, circulated as Document on 17 July 1998, entered into force on 1 July 2002.

D) Websites

35. <http://www.icrc.org>
36. <http://www.icrc.org/en/what-we-do/violence-against-women>
37. <http://www.icrc.org/en/what-we-do/sexual-violence>
38. <http://www.icrc.org/en/what-we-do/health>
39. <http://www.icrc.org/en/war-and-law/protected-persons/children>
40. <http://www.unicef.org>
41. <http://www.who.int>
42. <http://www.worldbank.org>